



## بررسی ترجمه‌ی متون ملی - فرهنگی فارسی به روسی و بالعکس با تکیه بر روش‌های ترجمه

سوینج مهدیخانلی<sup>۱</sup>

صدیقه خزائی<sup>۲</sup>

### چکیده:

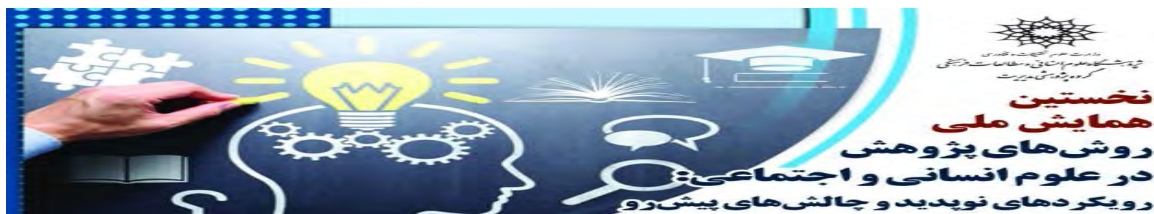
فرهنگ قلب تپنده‌ی هر ملت است که در نبض جاری زبان و گفتار نمایان شده، نوع نگرش مردمان جامعه به جهان هستی، باورها، سنت‌ها و رفتار اجتماعی‌شان را بازتاب داده و در بطن ادبیات شفاهی و در پی آن در ادبیات رسمی ملت‌ها ریشه می‌دواند. زبان و فرهنگ تار و پود در هم تنیده‌ی ساختار هر جامعه هستند که یکی بدون دیگری بی معنا است. از همین رو در ترجمه‌ی متون ملی - فرهنگی به هیچ وجه نمی‌توان فرهنگ زبان مبدأ و مقصد را نادیده گرفت. پژوهش پیش رو بر اساس روش توصیفی - تحلیلی، بررسی تطبیقی، بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و نمونه‌گیری از مثل‌ها، کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌ها در متون و مطالعات مختلف و بر اساس دسته بندی واقعیت‌های فرهنگی از نقطه نظر ورشاگین - کاستاماروف، زبانشناس‌های روس و طبقه بندی دابراولسکی، محقق روس در خصوص انواع ترجمه و معادل ضرب المثل‌ها به بررسی ترجمه‌ی عناصر ملی - فرهنگی فارسی به روسی و بالعکس می‌پردازد. تعداد بسیار اندک پژوهش صورت گرفته در خصوص این موضوع، ضرورت انجام این تحقیق را قوت می‌بخشد، چرا که تا به حال پژوهش مستقلی در خصوص روش‌های ممکن در ترجمه‌ی عناصر ملی - فرهنگی در زبان‌های روسی و فارسی انجام نشده است. نگارندگان تحقیق حاضر در جواب به این سؤال که آیا تنها یک روش و رویکرد برای ترجمه‌ی چنین متونی مورد استفاده قرار می‌گیرد یا خیر به بررسی این موضوع پرداخته و در بخش یافته‌ها با توجه به هدف نهفته در سؤال تحقیق به تحلیل نمونه‌ها و عناصر فرهنگی و چگونگی برگردان آن‌ها می‌پردازند. در نهایت، پیشنهادات، راهکارها و نیز روش‌های مختلف ترجمه‌ی عناصر ملی - فرهنگی را در نتیجه‌گیری ارائه می‌دهند. نتایج بدست آمده، پیشنهاداتی را در خصوص ترجمه‌ی عناصر ملی - فرهنگی در اختیار دانشجویان زبان روسی و در حقیقت مترجمان آینده می‌گذارد تا در هنگام ترجمه‌ی چنین متونی حساسیت، تأمل و دقت بیشتری داشته باشند.

**واژگان کلیدی:** عناصر ملی - فرهنگی، روش‌های ترجمه، زبان فارسی، زبان روسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان، گروه زبان روسی، smehdikhanli@guilan.ac.ir

<sup>۲</sup> دکترای آموزش زبان روسی، khazaiesedighe08@gmail.com



## مقدمه:

ترجمه‌ی عناصر ملی - فرهنگی در متون فارسی به روسی و بالعکس موضوع حائز اهمیتی است. چرا که ترجمه‌ی عناصر فرهنگی به مانند ترجمه‌ی متون علمی فقط بر اساس قواعد دستوری و فنی انجام نمی‌شود، ضمن اینکه با چنین روشی نمی‌توان موفق به انجام ترجمه‌ای شیوا با حفظ و انتقال صحیح عناصر فرهنگی زبان مبدأ در زبان مقصد شد. عناصر ملی - فرهنگی در هر متن بیانگر روحیات، باورها، عقاید و اتفاقات تاریخی آن ملت است. به همین دلیل هنگام ترجمه‌ی این متون باید به بررسی، مطالعه و در نهایت شناخت درست این مفاهیم در زبان مبدأ پرداخت و پس از آن معادل مناسب را در ترجمه و زبان مقصد جایگزین کرد. ضرب‌المثل‌ها، مثل‌ها و کنایات در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه از جمله عناصر ملی - فرهنگی هستند که در این مقاله بصورت مقایسه‌ای در زبان‌های فارسی و روسی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بررسی فرهنگ در ادبیات شفاهی و عامه که البته به ادبیات نوشتاری ملت‌ها نیز جان بخشیده و همواره بخشی از ادبیات نوشتاری را نیز تشکیل می‌دهد سال‌هاست که به طور گسترده در پژوهش‌های بین رشته‌ای از جمله زبان‌شناسی و یا حتی جامعه‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. درک و فهم متقابل مردم ملت‌های مختلف از یکدیگر، در شرایط جهان امروز که با پویایی و رشد شتابان فرآیند جهانی شدن و نیز گسترش هر چه بیشتر گفتگوی بین فرهنگی مواجه هستیم امری اجتناب ناپذیر است. بطوریکه اس.ام. کراوتسوا و اس. و. ماکسیمیتس در تک‌نگاشت تحقیقی خود به بررسی تطبیقی ارزش‌های ذاتی مربوط به جامعه‌ی زبانی و قومی منعکس شده در ضرب‌المثل‌های روسی و فرانسوی می‌پردازند و ضرب‌المثل‌های در بردارنده‌ی واقعیت‌های فرهنگی و تاریخی را از لحاظ واژگانی، دستوری - واژگانی و مفهوم در هر دو زبان بررسی کرده و الگو‌واره‌های تعریف شده برای «واقعیت‌های» پیرامون هر دو ملت را ارائه می‌دهند. بدین ترتیب با ارائه و شناخت الگو‌واره‌های فرهنگی - قومی هر یک از ملت‌ها و تعیین تفاوت‌ها و تشابه‌های ادراکی از محیط و اتفاقات پیرامون به سهولت فرآیند ارتباطات بین فرهنگی کمک شایانی خواهد شد. (کراوتسوا، ۲۰۱۹)

رجوع کردن به فرهنگ سایر ملل در حقیقت به معنای ارتباط و تعامل فرهنگ‌های مختلف است که بواسطه‌ی درک معانی فرهنگی اتفاق می‌افتد. چنانکه فالکوا در کتاب خود می‌نویسد: «ما فرهنگ سایر ملل را از دریچه و منشور فرهنگ خود درک کرده و به سختی معنا و مفهوم نهفته در کلمات، رفتار و اعمالی که مختص به فرهنگ خودمان نیستند را درک می‌کنیم.» (فالکوا، ۲۰۰۷)

در خصوص اهمیت انجام تحقیق حاضر لازم به ذکر است که تعداد اندک پژوهش مقایسه‌ای در این خصوص، ضرورت انجام این تحقیق را قوت می‌بخشد، چرا که تا به حال پژوهش مستقلی در خصوص روش‌های ممکن در ترجمه‌ی عناصر ملی - فرهنگی در زبان‌های روسی و فارسی انجام نشده است. نگارندگان این پژوهش در جواب به این سؤال که آیا تنها یک روش و رویکرد برای ترجمه‌ی چنین متونی مورد استفاده قرار می‌گیرد یا خیر به بررسی این موضوع پرداخته و در بخش یافته‌ها با توجه به هدف نهفته در سؤال تحقیق به تحلیل نمونه‌ها و عناصر فرهنگی و چگونگی برگردان



آن‌ها می‌پردازند. در نهایت، پیشنهادات، راهکارها و نیز روش‌های مختلف ترجمه‌ی عناصر ملی - فرهنگی را در نتیجه‌گیری ارائه می‌دهند. نتایج بدست آمده، پیشنهادهای را در خصوص ترجمه‌ی عناصر ملی - فرهنگی در اختیار دانشجویان زبان روسی و در حقیقت مترجمان آینده می‌گذارد تا در هنگام ترجمه‌ی چنین متونی حساسیت، تأمل و دقت بیشتری داشته باشند.

### پیشینه پژوهش:

پیش از بررسی روش‌های پژوهش در ترجمه و ترجمه‌شناسی و یا هر گونه بحث و بررسی تطبیقی در خصوص متون فرهنگی - ملی، به توضیح پیشینه‌ی مطالعات ترجمه و رویکردهای متفاوت در خصوص تعیین دوره‌های تاریخ ترجمه خواهیم پرداخت، چرا که پیشینه و ادبیات موضوع مورد تحقیق با کلیت فرآیند ترجمه مرتبط است.

مطالعات ترجمه در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی با شتابی زیاد پیشرفت کرد و اکنون جای ثابتی در مراکز آموزش علمی پیدا کرده است. بطوریکه در رأس اکثر پژوهش‌های اخیر در باب مسائلی همچون ایدئولوژی، اخلاق و فرهنگ تأمل می‌شود. البته نه تنها در مطالعات ترجمه، بلکه در زبان‌شناسی بدیهی است که چرخش فرهنگی در این زمینه‌ها چشمگیر بوده و مسائل فرهنگی در سراسر علوم انسانی اهمیتی افزون‌تر یافته بود. (مرادیانی، ۱۳۹۳). امروزه در علوم مربوط به ترجمه با رویکردهای متفاوتی در خصوص تعیین دوره‌های تاریخ ترجمه مواجه هستیم. از طرفی هم در طول تاریخ پیدایش ترجمه، هسته‌ی اصلی نظریه‌ی ترجمه و سؤال واحد در این خصوص همیشه این بوده که هنگام ترجمه چه اتفاقی می‌افتد. البته خود این سؤال واحد ده‌ها پرسش دیگر در خصوص هم‌ارزی،<sup>۳</sup> کفایت،<sup>۴</sup> دگرگونی‌ها و تغییرناپذیر بودن،<sup>۵</sup> مفهوم و معنا،<sup>۶</sup> محتوا و ساخت،<sup>۷</sup> ترجمه‌ی آزاد یا تحت‌اللفظی،<sup>۸</sup> وفاداری به متن اصلی<sup>۹</sup> و مواردی از این دست را در دل خود جای می‌دهد که از زمان پیدایش ترجمه همچنان موضوعاتی مهم و محل بحث و پژوهش بوده و هستند. کپانف در مطالعات خود به چهار دوره از تاریخ ترجمه اشاره می‌کند. او بین دوره‌ی اول (باستان)؛ همان دوره‌ی برده‌داری و دوره‌ی دوم یا میانه (از انباشت اولیه سرمایه تا انقلاب علمی و فن‌آورانه‌ی قرن هجدهم) و دوره‌ی نوین یا همان دوره‌ی سوم (از اواخر قرن هجدهم تا اواخر قرن نوزدهم) و دوره‌ی چهارم یا دوره متأخر (اواخر قرن نوزدهم و قرن بیستم) تمایز قائل می‌شود. (کپانف، ۱۹۷۲).

<sup>۲</sup>equivalence (эквивалентность)

<sup>۳</sup>adequacy (адекватность)

<sup>۴</sup>transformations and invariant (преобразования и инварианте)

<sup>۵</sup>concept and meaning (смысл и значение)

<sup>۶</sup>content and form (содержание и форма)

<sup>۷</sup>free or literal translation (вольный и буквальный перевод)

<sup>۸</sup>faithfulness to the original text (верность оригинальному тексту)



در جایی دیگر، جرج اشتاینر در خصوص تعیین دوران‌های مختلف ترجمه بر مبنای موارد پر بسامد، پژوهش مستقلی انجام داده که در کتاب «پس از بابل: جنبه‌های زبان و ترجمه» به این موارد پرداخته است. دوره‌بندی پیشنهادی او برای علم ترجمه جالب توجه است، چرا که تمرکزش در حوزه‌ی ترجمه بر فرهنگ است. (Steiner, ۱۹۷۵) ام. بالارد نیز دسته‌بندی زمانی دیگری از تاریخ ترجمه را در کتاب «از سیسرون تا بنیامین» آورده و در نهایت دوره‌های تاریخی ارائه شده توسط اشتاینر را به دوره‌ی: (۱) دوران باستان، (۲) قرون وسطی، (۳) رنسانس، (۴) قرن هفدهم دسته بندی می کند. (Ballard, 1992)

با وجود دسته بندی‌های مذکور، پژوهشگرانی که در بالا طبقه‌بندی "دوره‌بندی زمانی و تاریخی" را ارائه داده‌اند با بسیاری از محققان ترجمه از جمله آ.و. فیوداراف،<sup>۱</sup> یو.د. لوین<sup>۲</sup> و گ.ر. گوچه‌چیلادزه<sup>۳</sup> در خصوص پیوند ناگسستنی ادبیات و زندگی روزمره هم‌عقیده هستند. (Garbovsky, 2007) اما معنا و اندیشه فقط به ترجمه ادبی محدود نمی‌شود. بدون در نظر گرفتن آفرینش‌های گفتاری به عنوان یک حوزه خاص، حتی اگر هر آنچه بدست بشر نوشته شده را ادبیات به شمار بیاوریم در این صورت حوزه وسیعی از ترجمه‌ی شفاهی باقی می‌ماند که همیشه توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. خلاقیت و آفرینش‌های ادبی در گفتار و فرهنگ عامه از جمله مثل‌ها، زبانزدها و ضرب‌المثل‌ها با پیشینه‌ی ملی - فرهنگی، تاریخی و گاه سیاسی با تکیه بر باورها، اعتقادات هر ملت بازتاب دهنده‌ی اندیشه و نوع نگاه مردمان هر مرز و بوم است.

در ادامه به ذکر پیشینه‌ی مختصری از موارد موضوع پژوهش اشاره خواهیم کرد:

ن.و. تیمکا در کتاب «عنصر فرهنگ در ترجمه»<sup>۴</sup> در شش فصل به بررسی تأثیر و بازتاب فرهنگ در زبان و ترجمه؛ فرهنگ ملی توصیف شده توسط نویسنده متن؛ بازتاب فرهنگ مادی معنوی ملت در متن؛ سنت‌های اساسی ترجمه در پراکندگی فرهنگ و مواردی از این دست می‌پردازد. (Timko, 2007)، روستموفنا و آلیگانا در مقاله‌ی «واقعیت‌های فرهنگی روسیه در ترجمه‌ی آثار ادبی به زبان انگلیسی» به روش‌های ممکن برای انتقال عناصر فرهنگی و روزمره آثار ادبی به زبان انگلیسی پرداخته و به این نکته اشاره می‌کنند که در گذشته‌ی نه چندان دور برای ترجمه این عناصر از روش‌های مورد استفاده برای مفاهیم معادل ناپذیر استفاده می‌شده، اما امروزه با مطالعات بیشتر در این زمینه می‌توان از روش‌های دیگری مثل روش توصیفی، ترکیبی، تقریبی، تعمیم و گرده برداری و غیره استفاده کرد. (Yusupova & Asaturova, 2022)، ذوالفقاری در مقاله‌ای با عنوان «تیبها و شخصیت‌های فولکلوریک و کمیک در ضرب‌المثل‌های ایرانی» بیش از یکصد قهرمان و شخصیت تیب شده‌ی امثال فارسی را شناسایی کرده، بازتاب آنها را در امثال نشان داده و مورد و مضرب امثال، کاربرد و گستره‌ی استفاده‌ی آن را بیان کرده است (ذوالفقاری، ۱۴۰۰)، صابونچی نیز در مقاله‌ی «اهمیت شناخت فرهنگ در ترجمه با استناد بر چند نمونه» به اهمیت فرهنگ در ترجمه و

<sup>۱</sup>A. V. Fedorov (А.В. Федоров)

<sup>۲</sup>U. D. Levin (Ю.Д. Левин)

<sup>۳</sup>G. R. Gochechiladze (Г.Р. Гочечиладзе)

<sup>۴</sup>Factor "culture in translation" (Фактор «культура в перевод»)





پیامدهای نا آگاهی مترجم از فرهنگ زبان مورد ترجمه اشاره کرده است (صابونچی، ۱۳۹۴)، نصیری و نیازی نیز در مقاله‌ای با عنوان «ارزش فرهنگی ترجمه‌ی ضرب‌المثل‌ها و کنایات» به اهداف ترجمه از جمله ایجاد و ارتقاء ارتباط بین فرهنگ‌ها و نا دیده گرفتن جنبه‌های فرهنگی در ترجمه‌ی متون پرداخته‌اند (نصیری و نیازی، ۱۳۸۷)، حمیدرضا قانونی و پروین غلامحسینی در مقاله‌ای تحت عنوان «ادبیات عامه (ضرب‌المثل‌ها و کنایات) و بازتاب آن در رمان‌های جلال آل احمد» دسته‌بندی خاصی از امثال و حکم، اصطلاحات ضرب‌المثلی (مثل‌واره‌ها)، مثل‌های داستان‌دار، اصطلاحات و تعابیر عامیانه و مردمی و کنایات ارائه می‌دهند (قانونی و غلامحسینی، ۱۳۹۶)، مهدی‌خانی و زهرایی در مقالاتی به زبان روسی و با عناوین «دشواری‌های ترجمه‌ی ضرب‌المثل‌ها و زبانزدهای روسی به زبان فارسی» و «مشکلات ترجمه‌ی ضرب‌المثل‌های فارسی» به این موضوع پرداخته‌اند. (مهدی‌خانی و زهرایی، ۱۳۹۰ (۲۰۱۲) و ۱۳۹۶ (۲۰۱۸))، ولی‌پور و ابراهیم شریفی در پژوهش «بررسی تداخل زبانی - فرهنگی در کاربرد پایدارهای مقایسه‌ای» و طرح پرسش‌نامه‌ای در این خصوص نشان می‌دهند که آشنایی اندک دانشجویان زبان روسی با این واحدهای زبانی تا چه اندازه بر بروز تداخل فرهنگی - زبانی در این زمینه اثرگذار است (ولی‌پور و شلیبر ابراهیم شریفی، ۱۳۹۸).

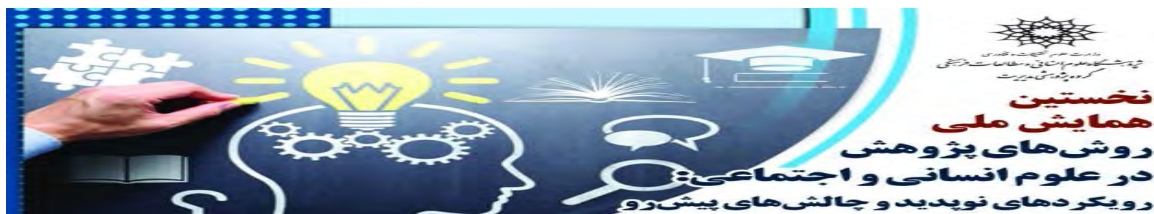
## روش تحقیق

در پژوهش پیش رو از دسته‌بندی زبانشناس‌های روس، ورشاگین - کاستاماروف برای طبقه بندی واقعیت‌های فرهنگی<sup>۱۴</sup> و به طور جزئی تر از دسته بندی انواع معادل ضرب المثل‌ها در اثر علمی دابراوولسکی با عنوان «عبارت شناسی تطبیقی: معادل سازی بین زبانی و مشکلات ترجمه اصطلاحات و تعابیر» استفاده شده و بر اساس روش توصیفی - تحلیلی، بررسی تطبیقی، بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و نمونه‌گیری از مثل‌ها، کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌ها در متون و مطالعات مختلف به بررسی ترجمه‌ی عناصر ملی - فرهنگی فارسی به روسی و بالعکس می‌پردازد.

## یافته‌ها

در هم تنیدگی زبان و مسائل ملی - فرهنگی از جمله، باید و نبایدها، باورهای دینی، اعتقادات و آداب و رسوم، ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه از چنان اهمیتی برخوردار است که علم مستقلی به نام فرهنگ شناسی زبان پدید آمده و مسائل مربوط به این حوزه را بررسی می‌کند. زبان فقط نظامی از واژگان نیست که به عنوان نماد عمل کند، بلکه شیوه‌های

Realia are words and expressions for culture-specific material elements. The word realia come from medieval Latin, in which it originally meant "the real things", i.e. material things, as opposed to abstract ones. (реалы)



متفاوت نگرش و برداشت از جهان هستی و ابزاری برای شکل دادن به جهان‌بینی و بیان ویژگی‌های هر ملت است. (صفا زاده، ۱۳۸۹). بی شک با دایر شدن مدرسه‌ی زبان فارسی در سال ۱۷۳۲ میلادی در روسیه مناسبات فرهنگی این دو کشور و تمایل به روابط فرهنگی و به سبب آن، انجام ترجمه‌های مختلف گسترش یافته و توجه به مسائل و عناصر فرهنگی در هنگام تدریس و نیز در فرآیند ترجمه اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. چرا که شناخت عناصر ملی - فرهنگی هر کشور هنگام برگردان متون مانع از ایجاد سوءتفاهم‌های فرهنگی خواهد شد و از سوی دیگر به تلاش مترجم برای حفظ فرهنگ و نکات ظریف ملی و یا اعتقادی آن ملت خواهد انجامید. در بررسی و تحلیل متون با ویژگی ملی - فرهنگی از زبان فارسی به روسی و بالعکس چند نکته حائز اهمیت است. چرا که در درجه‌ی نخست، عناصر ملی - فرهنگی نهفته در زبان و بافت اجتماعی هر ملت (زبانزدها، مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها و حتی کنایات در زبان روزمره و محاوره) چه در ادبیات شفاهی و چه در ادبیات نوشتاری بیانگر مفاهیمی است که یا ریشه در اتفاقی تاریخی دارند و از جهان‌بینی آن ملت سرچشمه می‌گیرد و یا به باورها، اسطوره‌ها و حتی روابط اجتماعی و روزمره‌ی آن‌ها در قالب استعاره و یا بیان مفهومی نمادین اشاره دارند و در درجه‌ی دوم، هر کدام از این نمادها و استعاره‌ها مفاهیمی عمومی و قراردادی هستند که در طول دوران زیست هر ملت بواسطه‌ی مردمان همان منطقه شکل گرفته، بر سر زبان‌ها افتاده و در ادبیات شفاهی سینه به سینه نقل شده و پس از آن در ادبیات نوشتاری تجلی یافته است. در انجام ترجمه‌ی متون ملی - فرهنگی، مترجم باید ادبیات عامه و نوشتاری زبان رسمی کشورش را شناخته و از فرهنگ مردمان سرزمین خود و نیز فرهنگ مردمانی که قصد ترجمه از یا به زبان ایشان را دارد آگاهی داشته باشد. چرا که مترجم بدون شناخت فرهنگ ملتی که زبان آن را آموخته است موفق به انجام ترجمه‌ای مناسب و موفق نخواهد شد. بسیاری از صاحب نظران علوم انسانی چه در حوزه‌ی فرهنگ و جامعه‌شناسی و چه در حوزه‌ی ادبیات و زبان‌شناسی همواره بر ارتباط ناگسستنی فرهنگ و زبان تأکید داشته و تعاریف و نظریات بسیاری در این مورد مطرح کرده‌اند. در ادامه به دلیل بدیهی بودن تعریف «فرهنگ» از ارائه‌ی تعاریف این اصطلاح پرهیز کرده و فقط به نظریاتی در ارتباط با فرهنگ، تمدن، اقوم و زبان می‌پردازیم.

تعریف مفهوم پیچیده و چند بعدی «فرهنگ» یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات در علوم انسانی از جمله در علم زبان‌شناسی است. لازم است که بین مفهوم «فرهنگ» و «تمدن» تمایز قائل شویم. در بسیاری از متون از جمله آثار دانیلسکی، فروید، کلوچفسکی و حتی تعدادی از بزرگان معاصر، «فرهنگ» در معنا و کاربرد سنتی و قدیمی خود مترادف با تمدن به کار می‌رفت، اما در مقابل افرادی مثل فوریه، کانت، اسپنگلر، بردیایف به شدت با کاربرد یکسان این دو مفهوم مخالف بودند و در آثارشان مشهود بود. (Timko, ۲۰۰۷)

از دیدگاه دیگر و در خصوص رابطه‌ی بین «فرهنگ»، «قومیت» و «ملیت» بسیاری از صاحب نظران بر این عقیده هستند که اصطلاح «فرهنگ» در همه‌ی زمان‌ها و برای تمام ملت‌ها به اشتباه به کار برده شده است. بدین معنا که طبق نظر فون هردر در جامعه فرهنگ خاص خود را دارد؛ درست مثل طبقات مختلف اجتماعی و زیر گروه‌های هر جامعه که هر یک با خرده فرهنگ‌های خود تعریف و توصیف می‌شوند. (Komissarov, 1982)



بنابراین لازم است تا میان فرهنگ و قوم، فرهنگ اقوام و فرهنگ قومی و فرهنگ قومی - ملی تفاوت و تمایز قائل شد. اما «زبان» و «فرهنگ» و ارتباط این دو از دیرباز در زمره‌ی موضوعات با اهمیت در علم زبان‌شناسی بوده است. پژوهشگران معاصر بر این عقیده هستند که فعالیت‌های بین‌زبانی مانند «ترجمه» ماهیتی کاملاً بین‌فرهنگی دارند و ترجمه را به طور قطعی یک پدیده و فعالیت فرهنگی به شمار می‌آورند. (Komissarov, ۱۹۸۰). از همین رو با در نظر گرفتن این موضوع که ترجمه نوعی فعالیت فرهنگی است بر مترجم واجب است تا در هنگام برگردان متون، تأمل لازم برای شناخت عناصر ملی - فرهنگی را به کار برده و در نهایت معادل مناسب و صحیح را با حفظ ارزش‌های ملی و فرهنگی در ترجمه ارائه دهد.

### تعریف و طبقه‌بندی رئال‌ها (واقعیت‌های فرهنگی)

تعاریف بسیاری در خصوص رئال‌ها در منابع مختلف دست اول داریم که در زیر به چند تعریف از «فرهنگ لغت اصطلاحات زبان‌شناسی» تألیف ا.س. آخمانووا و نیز دیگر مؤلفان بسنده خواهیم کرد:

«به هر پدیده یا شیء در فرهنگ ملموس رئال گفته می‌شود.» (Akhmanova, ۱۹۶۶)، «واژگان بیان‌کننده‌ی پدیده‌ها، مفاهیم و موقعیت‌هایی که در تجربه‌ی زیسته‌ی افراد سخنور به زبان دیگر وجود ندارند.» (Barkhudarov, ۱۹۸۵)، «واژگان و عباراتی که پدیده‌ها و اشیاء مخصوص زندگی، شیوه‌ی زیست، فرهنگ و رشد اجتماعی یک ملت بواسطه‌ی آنها نامگذاری شده، برای مردمان دیگر ملت‌ها نا آشنا بوده و بیان‌کننده‌ی حال و هوای ملی - محلی و زمانی است که قاعدتاً معادلی در زبان دیگر ندارند. بنابراین در هنگام ترجمه نیاز به رویکرد خاصی دارند.» (Vlakhov and Florin, ۱۹۸۶)، «نام اشیاء و پدیده‌های مادی، واقعیت‌های تاریخی، سازمانهای دولتی، اسامی قهرمانان ملی و محلی، موجودات اسطوره‌ای و مواردی از این دست که فقط در یک فرهنگ، ملت و قوم مشخص وجود دارد رئال نامیده می‌شود.» (Tomahkin, 1997).

ترجمه‌ی این واژگان فرهنگی یکی از مشکلات مهم در برگردان آثار است که مترجم را در انتقال هویت ملی و تاریخی یک ملت از زبان مبدأ به مقصد با چالش‌های زیادی روبرو می‌کند. واژه‌ی رئال و چالش‌های مرتبط با آن بعد از انتشار پژوهش علمی س.بی. ولاخوف و س.پ. فلورین، پژوهشگران بلغاری حوزه‌ی ترجمه در دهه‌ی سی قرن بیستم با عنوان «ترجمه ناپذیر در ترجمه» رایج شد. بعدها هم زبان‌شناس‌هایی از جمله ورشاگین و کاستاماروف طبقه‌بندی زیر را برای رئال‌های موجود در روسیه ارائه دادند:

- ۱) واژگان مربوط به دوران شوروی، ۲) واژگان مرتبط با شیوه‌ی جدید زندگی، ۳) واژگان درهم‌تنیده با سنت‌ها و رسومات مرتبط با زندگی روزمره‌ی مردمان روسیه، ۴) واژگان تاریخی، ۵) ضرب‌المثل‌ها و مثل‌ها و زبان‌دهای محاوره، ۶) واژگان فرهنگ عامه و اصطلاحات کوچه‌بازاری، ۷) اسامی خاص واقعی و اسامی خاص یا مربوط به شخصیت‌های افسانه‌ای و اسطوره‌ای، ۸) اسامی جغرافیایی، ۹) واژگان با معنای ضمنی. (Vereshagin & Kostomarov, 1983)



۱) **واژگان مربوط به دوران شوروی:** واژگان مرتبط با واقعیت‌های بیان‌کننده‌ی مفاهیم موجود در دوران تجدید ساختار و اصلاحات در زندگی اجتماعی مردمان شوروی پس از سال ۱۹۱۷ میلادی، مانند: **آگیت پونکت**<sup>۵</sup> (نوعی از مؤسسات سیاسی و آموزشی در اتحاد جماهیر شوروی)، **بلشویک**؛

۲) **واژگان مرتبط با شیوه‌ی جدید زندگی:** **آکادیمگاراڈک**<sup>۶</sup> (شهرها و یا مناطق شهری در شوروی سابق که دقیقاً به منظور قرار گرفتن مناطق علمی در آنها پایه گذاری شده بودند)

۳) **واژگان درهم تنیده با سنت‌ها و رسومات مرتبط با زندگی روزمره‌ی مردمان روسیه:** **بانیا**<sup>۷</sup> (اتاقکی حمام مانند که با دمای زیاد محیط و یا بخار آب گرم محیطی شبیه به سونا فراهم می‌شود)، **بارانکا**<sup>۸</sup> (نوعی نان حلقه‌ای)

۴) **واژگان تاریخی:** واژگانی که به پدیده‌ها، اشیاء و اتفاقات تاریخی اشاره دارند و امروزه در معنای مجازی بکار می‌روند. مانند: **بایارین**<sup>۹</sup> (بزرگترین رتبه در نظام ارباب رعیتی آن زمان)، **آرخاروتس**<sup>۱۰</sup> (کارگاه و رئیس پلیس و سپس فرماندار مسکو در قرن هجدهم که امروزه برای خطاب توهین آمیز و طعنه بکار می‌رود)؛

۵) **واژگان بکار رفته در ضرب المثل‌ها و مثل‌ها و زبانزدهای محاوره:** **بیت باکلوشی** (بیکار و بی عار گشتن)، **بابی لتا** (تابستان دروغین)... هر کدام از این ضرب المثل‌ها، زبانزدها و مثل‌ها به سبب واژگان بکار رفته در آنها که معنا و مفهوم فرهنگی خاصی دارند و به پدیده و ابزار مختص به فرهنگ سخنوران همان ملت مربوط می‌شود. این ضرب المثل‌ها بطور دقیق معادلی در زبان مقصد نداشته و مفهومی ترجمه خواهند شد.

۶) **واژگان فرهنگ عامه و اصطلاحات کوچه بازاری:** **باگاتیر**<sup>۱۱</sup> (قهرمان حماسه‌ها و افسانه‌های روسی در معنای شجاع و پهلوان)، **بابا بیگا**<sup>۱۲</sup> (جادوگر افسانه‌ای و یکی از معروف‌ترین چهره‌های اسطوره‌ای ادبیات قومی روسیه که نامش بیشتر کودکان را به وحشت می‌اندازد)، **دُبری مُلادتس** ( در آوازاها و افسانه‌های روسی به جوانی تنومند که با شهامت و شجاعتش شناخته می‌شود. در معنای مجازی و در گفتار به همکار، دستیار و یا حتی ابزار کار خوب بکار می‌رود)؛

<sup>۵</sup>agitpunkt

<sup>۶</sup>akademgorodok

<sup>۷</sup>banya

<sup>۸</sup>baranka

<sup>۹</sup>boyarin

<sup>۱۰</sup>arkharovets

<sup>۱۱</sup>babye leto

<sup>۱۲</sup>bagatyr

<sup>۱۳</sup>baba-yaga





۷) اسامی خاص واقعی و اسامی خاص یا مربوط به شخصیت‌های افسانه‌ای و اسطوره‌ای: الکساندر  
نفسکی

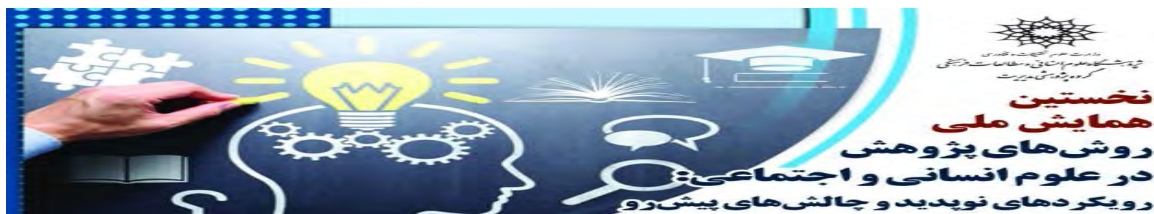
۸) اسامی جغرافیایی: اسامی که در ذهن ما بارها و بارها تداعی‌گر مفهوم روشن و مشخصی است، مانند **آربات**،  
گورکی

۹) **واژگان با معنای ضمنی**: بخشی از معنای واژه‌ها و جملات که به بافت غیرزبانی و جنبه‌های عاطفی و فرهنگی مربوط است. واژگانی که در ابتدا قابل ترجمه و معمولی بنظر می‌رسند، اما در بافت متن دارای معنا و مفهوم ضمنی می‌باشند. در بیشتر موارد سمبل و نماد مفهومی خاص هستند. مانند: **بریژا**<sup>۲۴</sup> یا همان درخت توس که نماد شاعرانه و سمبل سرزمین روسیه است. **آنچار**<sup>۲۵</sup> نیز نام درختی است سمی که در افسانه‌های سرزمین‌های آسیایی به درخت مرگ شناخته می‌شود و نام یکی از معروفترین شعرهای الکساندر پوشکین است که در سال ۱۸۲۸ سروده شده و شاعر این واژه را با توسل به فن تمثیل به عنوان نماد و سمبل «استبداد ویرانگر» و همان درخت کشنده بکار می‌برد.

با تکیه بر دسته بندی فوق در مورد واقعیت‌های فرهنگی هر ملت و نیز با توجه به موضوع پژوهش، بند ۵ این دسته بندی (واژگان بکار رفته در ضرب المثل‌ها، مثل‌ها و زبانزدهای محاوره) را مورد مطالعه قرار خواهیم داد. البته با توجه به اینکه تعدادی از ضرب المثل‌ها در بردارنده‌ی واقعیت‌های فرهنگی (رئال‌ها) هستند روش‌های معادل‌یابی و ترجمه‌ی رئال‌ها را نیز ارائه خواهیم داد. بطوریکه به بررسی ۶۰ ضرب المثل، مثل داستان‌دار، کنایه‌ها و زبانزدهای در بردارنده‌ی عناصر ملی - فرهنگی در زبان فارسی و روسی با تکیه بر دسته بندی زبانشناس‌های روس، ورشاگین - کاستاماروف برای طبقه بندی واقعیت‌های فرهنگی و به طور جزئی تر بر اساس دسته بندی انواع معادل ضرب المثل‌ها در اثر علمی دابراولسکی پرداخته، روش‌های ترجمه‌ی این عناصر فرهنگی و نیز شیوه‌ی معادل‌یابی مناسب با حفظ مفاهیم ملی - فرهنگی و راهکارهای ممکن ترجمه را بیان می‌کنیم. ضرب المثل‌ها، کنایات، زبانزدها و اصطلاحات عامیانه و گاه کوچه بازاری از جمله عناصر ملی - فرهنگی در هر زبان است که هر یک از آن‌ها می‌تواند حاوی نوعی طرز تفکر، نگرش، اعتقاد، باور و یا داستانی مخصوص به خود باشد. این تعبیرها که از قضا بیشترین سهم را در انعکاس تفاوت‌های فرهنگی دو زبان بر عهده دارند. برای درک منحصر به فرد بودن یک تصویر در جهان هستی لازم است تا رابطه و نگرش مردم به پدیده‌ها در میان ملت‌ها و حتی در یک ملت و نیز سلسله مراتب ارزش‌های مشترک انسانی در مقیاس ملی برقرار شود. در همین رابطه اصطلاحات و ضرب‌المثل‌هایی با مفهوم یکسان، اما ساختار (واژگانی - دستوری) و یا شکل متفاوت بیشتر مورد توجه هستند. همانند **مَثَل** «از گاه کوه ساختن» که در زبان روسی به شکل «**делать из**» delat' iz muhi slona (از مگس فیل ساختن) بیان می‌شود. این گونه مثل‌ها از یک سو اشتراکات

<sup>۲۴</sup>bereza

<sup>۲۵</sup>anchar



گونه‌شناسی تفکر و از سوی دیگر ویژگی‌ها و سنت‌های ملی - محلی، زندگی روزمره، فرهنگ و روان‌شناسی ملی را به تصویر می‌کشد. (Timka, 2007)

در مثال مذکور، اهمیت موضوع نه تنها در تجسم زبانی خاص در عملکرد معنایی واژگان برای مفاهیم کوچکی و بزرگی است، بلکه در واژه و عنصری است که به طور قراردادی توسط یک ملت انتخاب شده، در فرهنگ آن ملت مهم بوده و به عنوان معیاری در بیان مفهوم مورد نظر به کار می‌رود.

### روش‌های معادل‌یابی و ترجمه‌ی رئال‌ها

به طور کلی و فارغ از دسته بندی رئال‌ها، هنگام ترجمه‌ی این عناصر فرهنگی می‌توان از روش‌های مختلف استفاده کرد. در زیر به انواع روش‌های ترجمه اشاره خواهیم کرد:

(۱) روش نویسه گردانی<sup>۲۴</sup>؛

(۲) روش ترانویسی یا آوانویسی<sup>۲۵</sup>؛

(۳) روش گرته برداری<sup>۲۶</sup>؛

(۴) روش توصیفی<sup>۲۷</sup>؛

(۵) روش تقریبی<sup>۲۸</sup>؛

(۶) روش گشتاری (آلیوشکینا، ۲۰۱۵)



### روش‌های معادل‌یابی و ترجمه‌ی ضرب‌المثل‌ها

در سال‌های اخیر و تا حد زیادی تحت تأثیر زبان‌شناسی پیکره‌ای، شناسایی ویژگی‌های منحصر به فرد، نقش و عملکرد اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های روسی در گفتار و تکامل نمود واژگانی این اصطلاحات در فرهنگ لغت‌های دو زبانه تغییر کرده و مورد توجه قرار گرفته است. در همین رابطه به طور سنتی در تحقیقات انواع معادل‌های بین‌زبانی ضرب

<sup>۲۴</sup>transliteration

<sup>۲۵</sup>transcription

<sup>۲۶</sup>calque

<sup>۲۷</sup>descriptive translation

<sup>۲۸</sup>approximate translation

<sup>۲۹</sup>transformational translation



المثل‌ها را می‌توان به چهار طبقه کلی تقسیم کرد: (۱) معادل کامل، (۲) معادل تقریبی (نسبی)، (۳) معادل مشابه، (۴) بدون معادل. (Dobrovolsky, 2011)

### (۱) معادل کامل:

با آتش بازی کردن... (играть с огнем) (*igrat' s ognem*) در روسی: کاملاً یکسان

آن سر دنیا... (на край света) (*na kraj sveta*) در روسی: کاملاً یکسان

از آب گل آلود ماهی گرفتن... (ловить рыбу в мутной воде) (*lovit' rybu v mutnoj vode*) در روسی: کاملاً یکسان

پوست و استخوان. (кожа да кости) (*kozha da kosti*) در روسی: کاملاً یکسان

### (۲) معادل تقریبی (نسبی):

از دنده‌ی چپ بیدار شدن (встать не с той ноги) (*vstat' ne s toj nogi*) در روسی: بیدار شدن از آن پا که نباید

از گاه کوه ساختن... (делать из мухи слона) (*delat' iz muhi slona*) در روسی: از مگس فیل ساختن

جای سوزن انداختن نیست... (яблоку негде упасть) (*'jabloku negde upast*) در روسی: جا برای افتادن یک سیب هم نیست

### (۳) ضرب المثل‌ها و اصطلاحات مشابه: شباهت معنایی در عین ساختار متفاوت

یک پول سیاه هم نمی‌ارزد... (гроша ломанного не стоит) (*grosha lomannogo ne stoit*) در روسی: یک قران شکسته هم نمی‌ارزد

بالا خانه را اجاره داده است... (не все дома у него) (*ne vse doma u nego*) در روسی: در خانه چیزی را ندارد

نان و نمک هم را خوردن... (пуд соли съест) (*'pud soli s#est*) در روسی: مقدار زیادی نمک با هم خوردن؛ در معنای مدت زیادی با هم بودن و سر سفره‌ی یکدیگر نشستن

خوشی زده زیر دلش... (бесится с жиру) (*besitsja s zhiru*) در روسی: از چربی زیاد (رفاه زیاد) جن زده شدن

خشت اول گر نهد معمار کج... (краеугольный камень) (*'kraeugol'nyj kamen*) در روسی: اولین سنگی که در پی ساختمان قرار می‌گیرد

### (۴) ضرب المثل‌ها و اصطلاحات بدون معادل:

(توضیح دادن روی انگشتان... (объяснить на пальцах) (*ob#jasnit' na pal'cah*) در فارسی چنین ضرب المثلی نداریم، اما مفهوم آن توضیح دادن به ساده‌ترین شکل ممکن است



علاوه بر اهمیت دسته بندی فوق در خصوص واقعیت‌های فرهنگی و انواع معادل یابی ضرب المثل‌ها در هنگام ترجمه توجه به ابعاد هستی‌شناختی،<sup>۳۳</sup> نشانه‌شناختی<sup>۳۴</sup> و معرفت‌شناختی<sup>۳۵</sup> که در کتاب «نظریه ترجمه»<sup>۳۶</sup> تألیف گاربوفسکی آورده شده نیز در انتخاب معادل صحیح برای عناصر فرهنگی حائز اهمیت است. چرا که بعد «نشانه‌شناختی» دربردارنده‌ی نشانه و نماد؛ یعنی ابزار ارتباط فکری و مفهومی در چارچوب فرهنگ مورد نظر است. و یا تصویر هنری در بعد معرفت‌شناختی نیز نوعی تخیل و آفرینش ذهنی به شمار می‌آید؛ به بیان این امر در مورد ترجمه هم صدق می‌کند. بطوریکه معادل‌یابی در هنگام ترجمه‌ی متن، در عین رعایت چارچوب‌های دستوری، واژگانی و فرهنگی، در واقع فعالیت آرمانی و نوعی آفرینش ذهنی به شمار می‌آید. (Garbovsky, 2007).

بنابراین هیچگاه نمی‌توان دو زبان مختلف را یافت که تناسب یک به یک و برابر در تمامی اجزای کلام داشته باشند و چه بسا بسیاری از معادل‌ها، که آفرینش ذهنی و پنداشت مترجم در خصوص آن واژه یا پدیده است. بدین ترتیب علاوه بر روش‌های ترجمه، توجه به این موارد نیز از جمله الزامات حرفه‌ی مترجمی است که دانشجویان زبان روسی و مترجم‌ها باید مد نظر داشته باشند، در حالیکه متأسفانه در بسیاری از موارد نادیده گرفته می‌شود. بدین ترتیب با مد نظر قرار دادن دسته بندی واقعیت‌های فرهنگی از نقطه نظر زبان‌شناس‌های روس، ورشاگین و کاستاماروف، دسته بندی انواع معادل ضرب المثل‌ها در اثر علمی دابراوولسکی و نیز در نظر گرفتن بعد نشانه‌شناختی و معرفت‌شناختی در ترجمه به بررسی ۶۰ ضرب المثل، مثل داستان‌دار، کنایه و زیانزدهای دربردارنده‌ی عناصر ملی - فرهنگی در زبان فارسی و روسی در قالب جداول شماره ۱ و ۲ می‌پردازیم که همگی ریشه در باورها، سنت‌ها، رسوم و عقاید دینی، منطقه‌ی جغرافیایی و زیست بوم مردمان هر ملت دارد.

جدول شماره ۱. تحلیل ترجمه‌ی ضرب‌المثل‌ها، زیانزدها و کنایات عامیانه فارسی به روسی

ردیف	ضرب المثل فارسی	معادل روسی و مطالعات فرهنگی	نوع ترجمه	تحلیل
۱.	سیلیش را چرب کرد	Подмазывать колёса (неподмазанное колесо скрипит; не подмажешь- не поедешь) Podmazivat' koljosa (nepodmazannoe koleso skripit; ne podmazhesh'- ne poedesh)	مشابه	مفهوم دادن چیزی به کسی به قصد برآورده شدن خواسته که با رشوه دادن برابر است. در زبان روسی «چرخ را روغن کاری کردن»

<sup>۳۳</sup>ontological aspect (онтологический аспект)

<sup>۳۴</sup>semiotic aspect (семиотический аспект)

<sup>۳۵</sup>epistemological aspect (гносеологический аспект)

<sup>۳۶</sup>translation theory (теория перевода)





ردیف	ضرب المثل فارسی	معادل روسی	نوع ترجمه	تحلیل
۲.	بادمجان دور قاب چین	Петь дифирамбы Pet' difiramby	مشابه	معنای تملق و چاپلوسی برای جلب رضایت شخص دیگر در این مثل داستان دار نهفته است. به دلیل ریشه‌ی تاریخی آن که به زمان ناصرالدین شاه بر می‌گردد مسلماً معادلش در زبان روسی «دیتیرامب خواندن» با مفهوم چاپلوسی است.
۳.	همه‌ی تشریفات برای آن‌ها بود. اما برای زری مثل دسته‌ی تعزیه بود.	Пить отраву из золотой чаши Pit' otravu iz zolotoj chashi	مشابه	این نوع از اصطلاحات عامیانه ریشه در دین و اعتقادات دینی و باورهای ملت مسلمان ایران دارد و هیچ معادل کاملی در زبان روسی ندارد. اما می‌توان معادل مذکور را برای بیان مفهوم انتخاب کرد
۴.	آب دست یزید افتاده است.	Дело попало в просак Delo popalo v prosak	مشابه	در روزگار شاهان ستمگر، مأموران آب رسانی (میراب‌ها) با خیانت و سخت‌گیری‌های ناروا آسایش را از مردم می‌ربودند. این مثل کنایه‌ای است از اسیر شدن در دست ستمگر و معادل مشابه آن در زبان روسی «کار به چرخ کهنه‌ی طناب دوک کن افتاد» می‌باشد.
۵.	کله‌اش بوی قرمه سبزی می‌دهد.	Язык голову бережёт Jazyk golovu berezhjot	مشابه	این مثل ریشه‌ی تاریخی نحوه‌ی برخورد با دشمنان و خائن‌ها را در خود دارد و کنایه از سری که به دلیل حرف‌های درشت و ضد مصالح حکومت مستحق بدترین عذاب است. معادل تقریباً مشابه در زبان روسی «زبان‌ت را نگه دار و سر به سلامت»
۶.	آش یزید را میخوری و برای امام حسین سینه	И нашим, и вашим за копейку спляшем	مشابه	خطاب به کسی گفته می‌شود که در ظاهر ادعای دوستی می‌کند و در نهان دشمنی



ردیف	ضرب المثل فارسی	معادل روسی	نوع ترجمه	تحلیل
	میزنی؟	I nashim, i vashim za kopejku spljashem		می‌ورزد. این مثل ریشه در دین و اعتقادات مردمان مسلمان دارد و در فرهنگ ملت روس معادل دقیق ندارد، اما معادل مشابه آن می‌شود: «هم برای ما و هم برای شما در ازای یک کوپک می‌رقصند»
۷.	مرغ تو یک پا دارد.	Упрямый как осёл Uprjamyj kak osjol	مشابه	خطاب به کسی که حرف غیرمنطقی بزند و با لجبازی روی حرف خودش پافشاری کند. در زبان روسی «لجباز مثل الاغ»
۸.	شصتم خبردار شد.	По секрету, всему свету Po sekretu, vsemu svetu	مشابه	با خیر شدن از موضوعی پوشیده و پنهان که در زبان روسی با مثل «راز که بیان شد همه جهان خبر شد»
۹.	چه نمک شناس است.	Чёрная неблагодарность (пригрел змею на груди) Chjornaja neblagodarnost (prigrel zmeju na grudi)	مشابه	خطاب به کسی که قدر دان خدمتی که به او شده نیست. در زبان روسی «نا شکری ملامت بار»
۱۰.	از کوره در رفتن	выйти из себя vyjti iz sebja	تقریبی	کنایه از عصبانیت بیش از حد
۱۱.	هر چه بادا بادا!	Была не была! (двум смертям не бывать, а одной не миновать) Byla ne byla! (dvum smertjam ne byvat', a odnoj ne minovat')	کامل	فارغ از نتیجه دست به انجام کاری بزنیم که قصدش را داریم.
۱۲.	با مردن یک میراب شهر بی آب نمی‌ماند.	Свет не клином сошёлся на нём Svet ne klinom soshjolsja na njom	مشابه	در هر دو زبان به معنای شخصی است که می‌توان جایگزینی برای انجام کارش پیدا کرد. (صاحب شغل و حرفه‌ی مهمی



ردیف	ضرب المثل فارسی	معادل روسی	نوع ترجمه	تحلیل
				(نیست)
۱۳	بزک نمبر بهار میاد کمبزه با خیار میاد.	Золотые горы обещать Zolotye gory obeshhat	مشابه	شرف‌الدین حسینی ملقب به نسیم شمال یکی از اصحاب مطبوعات بوده که با سروده‌هایی طنز در باب مسائل زمانه خود سعی در نقد اوضاع و احوال آن دوران داشته است. یکی از این سروده‌ها عنوان «دری وری» دارد که در خصوص وعده و وعیدهای الکی است که ما انسان‌ها به این و آن می‌دهیم. در زبان روسی « <b>وعده‌ی کوه‌های طلا دادن</b> »
۱۴	بوی حلوایش می‌آید.	Стоять одой ногой в могиле Stojat' odoj nogoj v mogile	مشابه	از آنجاییکه موقع فوت برای متوفی حلوا درست می‌کنند و جزو رسومات و فرهنگ ایرانی‌هاست. این کنایه را در مورد کسی به کار می‌برند که در شرف مرگ است. در زبان روسی « <b>با یک پا روی گور ایستاده</b> » معادل مشابه این مثل فارسی است. البته ناگفته نماند که با همین مفهوم ضرب المثل فارسی « <b>یک پایش لب گور است</b> » را داریم که در این مورد معادل کامل به شمار می‌آید.
۱۵	از بیخ عرب شدن	Врёт, как сивый мерин Vrjot, kak sivyj merin	مشابه	زمانی به کار می‌رود که با وجود مدارک فراوان با کمال بی‌پروایی دست از انکار واضحات بر نمی‌دارد. این ضرب المثل معادل کامل روسی ندارد، چرا که ریشه‌ی این مثل به تاریخ ایران باستان و زمان ساسانیان برمی‌گردد. زمانیکه زبان عربی جایگزین زبان پهلوی باستان شد. اما بعدها در زمان صفاریان و دیگر سلسله‌ها که دوباره به زبان فارسی بها دادند عده‌ای



ردیف	ضرب المثل فارسی	معادل روسی	نوع ترجمه	تحلیل
				همچنان تمام مکاتبات اداری را به زبان عربی می‌نوشتند. به همین دلیل به کنایه می‌گفتند که فلانی از بیخ عرب شده. اما می‌توان این مثل روسی را برای بیان مفهوم مشابه در ترجمه به کار برد.
۱۶.	تعارف شاه عبدالعظیمی	Цедить сквозь зубы Cedit' skvoz' zuby	مشابه	در زبان روسی معادل مشابه آن «از میان دندان‌های به هم فشرده» است که معنای از ته دل نبودن و با نارضایتی گفتن را بیان می‌کند.
۱۷.	از حق تا ناحق چهار انگشت فاصله است	От любви до ненависти-один шаг Ot ljubvi do nenavisti-odin shag	مشابه	امیرالمومنین روزی در بین مردم سخن می‌گفت و درباره‌ی رشد اخلاقی آن‌ها صحبت می‌کرد و فرمود: بین حق و باطل بیش از چهار انگشت فاصله نیست. این یعنی شنیدنی‌ها را مثل دیدنی‌ها که با چشم دیده‌ای، باور نکن و تا یقین پیدا نکردی، سخن این و آن را درباره افراد نپذیر.
۱۸.	آب در هاون کوبیدن	Толочь воду в ступе Toloch' vodu v stupe	کامل	کنایه از کار بیهوده کردن
۱۹.	آب از دستش نمی‌چکد	у него от скупости зубы смерзлись. u nego ot skuposti zuby smerzlis'	مشابه	«دندان‌هایش از خساست یخ زد» ضرب المثل مشابه مناسب در زبان روسی برای این مثل فارسی است.
۲۰.	هم خدا را می‌خواهد هم خرما را	невозможно сразу усидеть на двух стульях nevozmozhno srazu usidet' na dvuh stul'jah	مشابه	کنایه از خواستن چند چیز همزمان که به نوعی به زیاده خواهی تعبیر می‌شود. در روسی «نمی‌شود همزمان روی دو صندلی نشست»





جدول شماره ۲. تحلیل ترجمه‌ی ضرب‌المثل‌ها، زبانزدها و کنایات عامیانه‌ی روسی به فارسی

ردیف	ضرب‌المثل روسی	معادل فارسی	نوع ترجمه	تحلیل
۱.	Не все дома Ne vse doma	«بالا خانهاش را اجاره داده است»	مشابه	از لحاظ واژگان به کار رفته و همچنین موقعیت کاربرد در هر دو زبان اشتراک دارند.
۲.	Ехать в Тулу со своим самоваром Ehat' v Tulu so svoim samovarom	«زیره به کرمان بردن»	تقریبی	ترجمه‌ی تحت‌اللفظی این مثل روسی «با سماور خود به تولا رفتن» است. تولا شهری در روسیه است که به ساخت سماور شهرت دارد.
۳.	Кашу маслом не испортишь Kashu maslom ne isportish'	«روغن در خمیر هدر نرود»	تقریبی	«کاشا را با روغن خراب نمیکنی» کاشا نوعی غذای حلیم مانند در روسیه است. معمولاً زمانی به کار می‌رود که شخصی در خصوص موارد بسیار خوب و عالی شک به دل راه بدهد.
۴.	Где щи, там и нас ищи Gde shhi, tam i nas ishhi	«هر جا آشه، حسن کچل فرانسه»	مشابه	در زبان روسی ضرب‌المثل «هر جا که شی (نوعی سوپ در روسیه) هست دنبال ما هم بگرد» به معنای به موقع و درجا حاضر شدن است و کنایه از فرصت طلب بودن می‌باشد.
۵.	Молоко на губах не обсохло Moloko na gubah ne obsohlo	«هنوز دهانش بوی شیر می‌دهد»	کامل	کاربرد این مثل در هر دو زبان وقتی است که فردی برای انجام کاری هنوز تجربه‌ی کافی ندارد و بسیار کم سن و سال است.
۶.	Седьмая вода на киселе Sed'maja voda na kisele	«رختشان را در یک آفتاب خشک می‌کردند»	بدون معادل	دو شخص یا دو چیز هیچ نسبت و یا ربطی به هم ندارند. با توجه به داشتن واقعیت فرهنگی برگرفته از نوع زندگی و خوراک مردمان روسیه در این مثل بدون معادل است. اما می‌توان معادل مشابه ذکر شده در زبان فارسی را انتخاب کرد.



ردیف	ضرب المثل روسی	معادل فارسی	نوع ترجمه	تحلیل
۷.	Ни пуха, ни пера! Ni puha, ni pera!	«گوش شیطان کر و چشم شیطان کور»	مشابه	مفهوم آرزوی موفقیت را در خود دارد.
۸.	Не в своей тарелке ne v svoej tarelke.	«توی هول ولا ماندن»	مشابه	این عبارت زمانی بکار می‌رود که کسی حال و حوصله‌ی درست و حسابی نداشته باشد.
۹.	Как баран на новые ворота kak baran na novye vorota.	«بر بر نگاه کردن»	مشابه	در زبان روسی مفهوم گیج و مات و میبهوت شدن و احمقانه به چیزی نگاه کردن را دارد.
۱۰.	Колос от колоса — не слыхать и голоса. Kolos ot kolosa — ne slyhat' i golosa.	«رفت به نان برسد به جان رسید»	مشابه	هنگامیکه به جای بدست آوردن سود و منفعت در انجام عملی به ضرر رسیده باشند این مثل را بکار می‌برند.
۱۱.	Как кошка и собака Kak koshka i sobaka	«مثل سگ و گربه»	کامل	کنایه از مدام در جنگ و دعوا بودن
۱۲.	Муж и жена — одна сатана Muzh i zhena — odna satana	«گل زن و شوهر را از یک تغار برداشته‌اند»	مشابه	این مثل روسی با این مفهوم که زن و شوهر در هر کار، نیت و رفتاری شبیه به هم هستند
۱۳.	Яблоку негде упасть Jabloku nigde upast'	«جای سوزن انداختن نیست»	تقریبی	بسیار شلوغ و یا جمعیت انبوه
۱۴.	Бесится с жиру Besitsja s zhiru	«خوشی زده زیر دلش»	مشابه	مفهوم ناشکری و قدرناشناسی از رفاه و آسایش زیاد
۱۵.	Лучше с умным потерять, чем с дураком найти. Luchshe s umnym poterjat', chem s durakom najti	«دشمن دانا به از دوست نادان»	تقریبی	این معنا را در خود دارد که هنگام مشورت و معاشرت با افراد بهتر است توانایی‌هایشان را مد نظر داشت. بطوریکه اگر هم گم بشوی با یک فرد دانا گم بشوی تا با فرد احمقی در راه و مسیر درست!
۱۶.	На краю света Na kraju sveta	«آن سر دنیا»	کامل	
۱۷.	Раньше смерти не умирают Ran'she smerti ne umirajut	«پیش از اجل کسی نمرد»	کامل	مفهوم این است که تا اجل فرا نرسد آدمی نمی‌میرد.

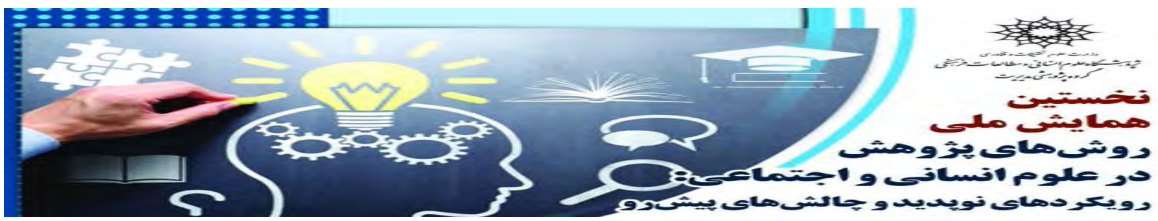


ردیف	ضرب المثل روسی	معادل فارسی	نوع ترجمه	تحلیل
۱۸	Глаза — зеркало души Glaza — zerkalo dushi	«چشم آینه روح است»	کامل	مفهوم این است که چشم‌ها منعکس‌کننده ویژگی‌های شخصیت انسان است.
۱۹	Один в поле не воин Odin v pole ne vojn	«یک دست صدا ندارد»	مشابه	مفهوم در اتحاد و همبستگی است.
۲۰	Делать из мухи слона Delat' iz muhi slona	«از کاه کوه ساختن»	تقریبی	الکی مشکل و یا کاری را بزرگ و سخت کردن
۲۱	Сапожник без сапог Sapozhnik bez sapog	«کوزه‌گر از کوزه شکسته آب می‌خورد»	تقریبی	کسی که صاحب حرفه و هنر است، اما خودش از آن بهره‌ای نمی‌برد
۲۲	Лежа хлеба не добудешь Lezha hleba ne 'dobudesh	«نابرده رنج گنج مسیر نمی‌شود»	تقریبی	بدون تلاش هیچ چیز بدست نمی‌آید
۲۳	Играть с огнем Igrat' s ognem	«با آتش بازی کردن»	کامل	دست به کار پر خطر زدن
۲۴	Сперва проверь, а потом верь Sperva prover', a potom ver	«اول اندازه بگیر بعد ببر»	کامل	جانب احتیاط را رعایت کردن؛ سنجیده عمل کردن
۲۵	Куй железо, пока горячо Kuj zhelezo, пока gorjacho	«تا تنور داغ است نان را بپسبان»	تقریبی	به موقع حرف خود را زدن و یا به موقع از فرصت استفاده کردن
۲۶	Без хозяина дом сирота Bez hozjaina dom sirota	«زن بلاست، خدا هیچ خانه‌ای را بی‌بلا نکند»	مشابه	مفهوم ارزش زن در خانه
۲۷	Цыплят по осени считают Cypljat po oseni schitajut	«جوجه را آخر پاییز می‌شمارند»	کامل	در پایان نتیجه مشخص می‌شود. کنایه از اینکه این کاری که شروع شده عاقبت خوبی ندارد.
۲۸	Волк в овечьей шкуре Volk v ovech'ej shkure	«گرگ در لباس میش»	کامل	کنایه از انسان بد ذات و بدخواه که خود را خوب جا می‌زند.
۲۹	Мухи не обидит Muhi ne obidit	آزارش به مورچه هم نمی‌رسد	تقریبی	کنایه از انسان آرام
۳۰	Моя хата с краю, я ничего не знаю	«ما را چه از این قصه که گاو»	مشابه	با گفتن نمی‌دانم و یا آنقدر دور



ردیف	ضرب المثل روسی	معادل فارسی	نوع ترجمه	تحلیل
	Moja hata s kraju, ja nichego ne znaju	آمد و خر رفت» «نمی دانم راحت جان است»		هستم که از هیچ چیز خبر ندارم می توان از شر دردسر احتمالی خلاص شد.
۳۱	Дела вести - не лапти плести Dela vesti - ne lapti plesti	«کار هر بز نیست خرمن کوفتن، گاو نر می خواهد و مرد کهن»	مشابه	کنایه از اینکه هر کسی توان و تجربه ای انجام آن کار را ندارد و هر کاری اوستای خودش را می طلبد.
۳۲	Первый блин всегда комом Pervyj blin vseгда komom	«نان اول فطیر است»	تقریبی	بیان این مفهوم که شروع هر کاری با موفقیت کامل نیست و موفقیت مستلزم تکرار و تجربه است.
۳۳	Не красна изба углами – красна пирогами Ne krasna izba uglami – krasna pirogami	«نه هر کس سزاوار باشد به صدر/ کرامت به جاه است و منزل به قدر»	مشابه	نباید افراد بظاهر بی اهمیت را دست کم گرفت و صرفاً بر اساس لباس و موقعیت اجتماعی در مورد آنها قضاوت کرد
۳۴	В чужих руках калач слаще V chuzhjih rukah kalach slashhe	«مرغ همسایه غاز است»	مشابه	همیشه آنچه که دیگری دارد بهتر به نظر می رسد.
۳۵	Язык мой – враг мой Jazyk moj – vrag moj	«زبان سرخ سر سبز را بر باد می دهد»	تقریبی	کنایه از با احتیاط سخن گفتن
۳۶	Нежданный гость хуже татарина Nezhdannyy gost' huzhe tatarina	«مهمان ناخوانده عزت ندارد»	مشابه	ناخوشایند بودن مهمان ناخوانده
۳۷	Белая ворона Belaja vorona	«گاو پیشانی سفید»	تقریبی	کنایه از شخصی به سبب انجام کاری همه او را می شناسند. البته در معنای منفی
۳۸	Не все коту масленица Ne vse kotu maslenica	«هر روز عید نیست که حلوا خورد کسی»	مشابه	کنایه از اینکه هر روز رفاه و خوشی در پیش نیست و دنیا بالا و پایین بسیار دارد.
۳۹	В гостях хорошо, а дома лучше V gostjah horosho, a doma luchshe	«گنج عاقبت، در سرای خویشتن است» «هیچ جا خانه خود آدم نمی شود»	مشابه	آسایش، راحتی و امید فقط در خانه ی خود یافت می شود و نه جای دیگر





تحلیل	نوع ترجمه	معادل فارسی	ضرب المثل روسی	ردیف
ارزش و اهمیت همسایه‌ی خوب	کامل	«همسایه نزدیک بهتر از برادر دور»	Лучше сосед вблизи, нежели брат вдали Luchshe sosed vblizi, nezhele brat vdali	۴۰





## نتیجه گیری:

با تکیه بر دسته بندی‌های مذکور و تحلیل تطبیقی ۶۰ ضرب‌المثل، مثل و زبانزد در زبان‌های روسی و فارسی ۴ نوع معادل پیشنهاد شد که عبارتند از: ۱. معادل کامل، ۲. معادل تقریبی، ۳. معادل مشابه، ۴. بدون معادل. پس از تحلیل ضرب‌المثل‌های روسی به فارسی و بالعکس و مشخص شدن درصدهای هر یک از انواع معادل در نمودارهای جدول شماره ۱ و جدول شماره ۲ که مستخرج از جدول‌های شماره ۱ و ۲ هستند نتایج زیر بدست آمد:

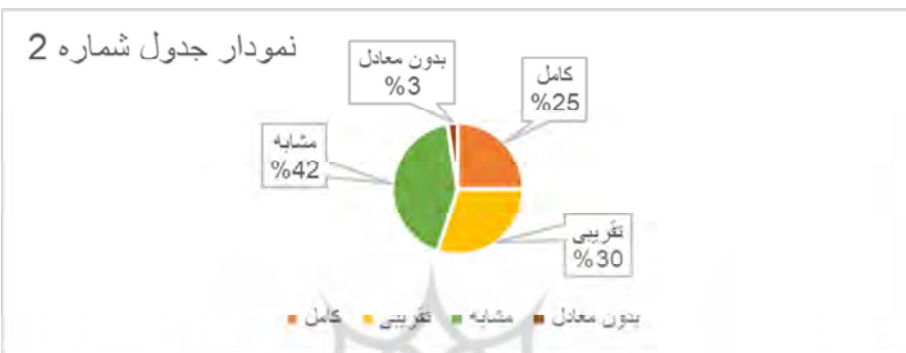
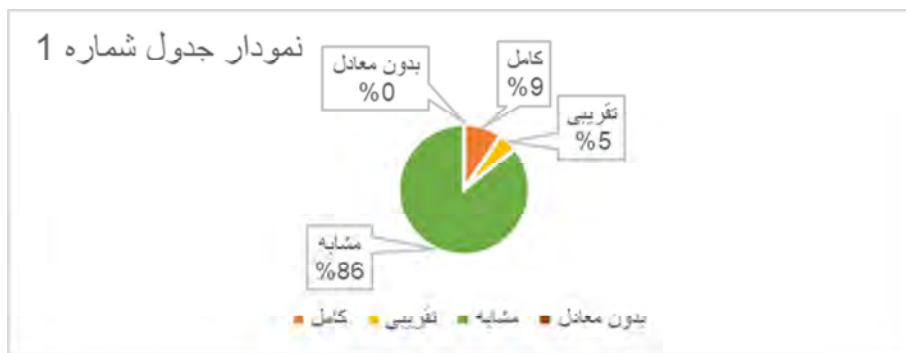
۱. برگردان مناسب هر عنصر ملی - فرهنگی مستلزم شناخت و مطالعه‌ی دقیق فرهنگ هر دو ملت و همچنین آگاهی داشتن از روش‌های مختلف در معادل‌یابی است؛

۲. هر عنصر فرهنگی با توجه به پیشینه‌ی تاریخی، ملی، جغرافیایی، نوع زندگی روزمره، انواع خاص خوراکی‌ها، باورها، سنت‌ها و عقاید و دین در هر ملت با واژه‌ای خاص و نیز مفهوم دربردارنده‌ی برگرفته از جهان بینی همان ملت بیان می‌شود؛

۳. فقط از طریق رویکردی واحد و تکیه بر یک روش، موفق به ترجمه‌ی درست و البته مناسب برای تمامی عناصر ملی - فرهنگی و ضرب‌المثل‌های دربردارنده‌ی عناصر فرهنگی نخواهیم شد، چرا که عناصر ملی - فرهنگی نهفته در زبان هر ملت (زبانزدها، مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها) بیانگر مفاهیمی است که از جهان بینی آن ملت سرچشمه گرفته و یا به باورها، اسطوره‌ها و حتی روابط اجتماعی و روزمره‌ی آن‌ها در قالب استعاره و یا مفهومی نمادین اشاره دارند. به همین دلیل هنگام ترجمه لازم است تا معادل هر یک آنها به فراخور نوع ضرب‌المثل و نیز در نظر داشتن جنبه‌های فرهنگی زبان مبدأ و مقصد انتخاب شود؛

۴. هنگام انتخاب معادل صحیح برای عناصر فرهنگی علاوه بر اهمیت دسته بندی انواع عناصر فرهنگی و انواع معادل‌یابی ضرب‌المثل‌ها، در نظر داشتن ابعاد «نشانه‌شناختی» و «معرفت‌شناختی» نیز از جمله الزاماتی است که دانشجویان زبان روسی و مترجم‌ها باید مد نظر داشته باشند. چرا که هر عنصر در فرهنگ و زبان ملت‌های مختلف با نشانه و نماد شناخته شده‌ی همان ملت رمز گذاری شده و در تفکر و زبان آنها نمایان می‌شود. هیچگاه نمی‌توان دو زبان مختلف را یافت که تناسب یک به یک و برابر در تمامی اجزای کلام داشته باشند، اما بررسی، فهم درست از عنصر فرهنگی به انتخاب معادل کمک خواهد کرد.

۵. بر اساس تحلیل انجام شده ارقامی با مقدار صفر و سه درصد برای «ضرب‌المثل‌های بدون معادل» در زبان فارسی و روسی نشان می‌دهد که با مطالعه‌ی بیشتر و فهم فرهنگی، واژگانی و مفهومی عنصر فرهنگی به کار رفته در ساختار ضرب‌المثل زبان مبدأ می‌توان معادل مناسب را در زبان مقصد جایگزین کرد.



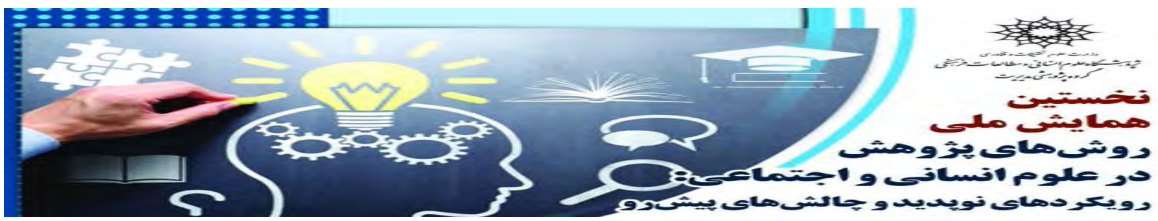
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی



## منابع

۱. قانونی، حمیدرضا، و غلامحسینی، پروین، ۱۳۹۶، ادبیات عامه (ضرب المثل‌ها و کنایات) و بازتاب آن در رمان‌های «جلال آل احمد». مطالعات زبانی و بلاغی، دوره هشتم، شماره پانزدهم، ۱۳۹۶، ۱۱۷-۱۴۰.
۲. صفارزاده، طاهر، ۱۳۸۹، اصول و مبانی ترجمه، چاپ سوم، تهران، پارس‌کتاب.
۳. روشن، بلقیس و اردبیلی لیلیا، ۱۳۹۲، مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی، چاپ اول، تهران، نشر علم.
۴. مرادیانی، نصراله، ۱۳۹۳، مطالعات ترجمه: یک میان رشته، چاپ اول، تهران، رخ داد نو.
۵. فرسادمنش، صفر علی و بیژووا، لودمیلا، ۱۳۸۴، فرهنگ امثال و حکم روسی-فارسی، چاپ اول، دانشگاه تهران.
۶. Gak, V. G., Vereshhagin, E. M., & Kostomarov, V. G. (1974). *Jazyk i kul'tura: lingvostranovedenie v prepodavanii russkogo jazyka kak inostrannogo. Russkij jazyk v shkole, (1), 102-102.*
۷. Garbovskij N.K. (2007). *Teorija perevoda: Uchebnik. M.: Izd-vo Mosk. un-ta.*
۸. Dobrovol'skij, D. O. (2011). *Sopostavitel'naja frazeologija: mezhdzjazykovaja jekvivalentnost' i problemy perevoda idiom. Russkij jazyk v nauchnom osveshhenii, (2), 219-246.*
۹. Iljushkina, M. Ju. (2015). *Teorija perevoda: osnovnye ponjatija i problemy: [učeb. posobie]; [nauch. red. M. O. Guzikova]; M-vo obrazovanija i nauki Ros. Federacii, Ural. feder. un-t. — Ekaterinburg: Izd-vo Ural. un-ta.*
۱۰. Komissarov, D. S. (1982). *Puti razvitija novoj i novejshej persidskoj literatury: očerki. Nauka. 15. Kravcov S.M. i Maksimec S.V. (2019). Cennostnaja paradigma lingvokul'turnogo soobshhestva v zerkale frazeologii (na materiale russkogo i francuzskogo jazykov). M.: Litres.*
۱۱. Timko, N.V. (2007). *Faktor «kul'tura» v perevode; Kursk. gos. un-t. – 2-e izd., dopoln. – Kursk: Kursk. gos. un-t.*
۱۲. Tomahin, G. D. (1997). *Realii v jazyke i kul'ture. Inostrannye jazyki v shkole.*
۱۳. Fal'kova, E. G. (2007). *Mezhkul'turnaja kommunikacija v osnovnyh ponjatijah i opredelenijah: metodicheskoe posobie. SPb.: F-t filologii i iskusstv SPbGU.*
۱۴. Kopanev P.I. (1972). *Voprosy istorii i teorii hudozhestvennogo perevoda. Minsk.20. Ballard M. and Cicéron à Benjamin. (1992) Traducteurs, traductions, réflexions. Lille.*
۱۵. George, Steiner. (1975). *After Babel: Aspects of Language and Translation.*
۱۶. Newmark. (۱۹۸۸). *A Text Book of Translation. London: Prentice Hall.*
۱۷. Ahmanova, O. S. (1969). *Slovar' lingvisticheskikh terminov: slovar': – Moskva: Sovetskaja jenciklopedija.*
۱۸. Barhudarov, L. S. (1975). *Jazyk i perevod (Voprosy obshhej i chastnoj teorii perevoda). M., Mezhdunar. otnoshenija.*
۱۹. Vinogradov B.C. (1978). *Leksicheskie voprosy perevoda hudozhestvennoj prozy M.*





۲۰. Vlahov, S. (1986). *Neperevodimoe v perevode, Florin. 2-e izd., ispr. i dop.* M.: Vyssh. shk.

